

آینده طهران

پنل آقاي عیډي

همیشه سعی کنید که برده از ظاهر های رنگین اشیاء بردارید و با دیده ژرف بیطون امور بنگرید. آن آدم متجسسی که نگاه سردی بنس و خاشاک دریا نموده ماهرانه از میان آبهای دریا گذشته خود را بقعر آن میرساند میفهمد که حقیقت دریا چیست. فقط طنطنه ظاهری دریا باشکوه نیست بلکه گوهر های قعر آن که نتیجه تجسس او بود گرانها تر از منظر فریبنده ظاهری دریاست. پس همیشه دقت خود را از رنگهای ظاهری معطوف بحقیقت امور نمائید، همیشه مواظب باشید که عمیقانه در قضایا قضاوت کنید. قضاوت عمیق یعنی بر روی برهان - نه بر روی احساسات و تصورات - بایه تفکرات شما قرار گرفته باشد. قضاوت صحیح یعنی استنباطات شما از روی احصائیه و حساب های صحیحی استخراج شده باشد.

در میان اوراق مختلفه که روی میز انباشته شده است چشمم بیک مجلد سبز رنگی افتاد.

تنها عنوان مجله « بلدیة » برای من کفایت میکرد که جدول « متوفیات » و « متولدات » طهران را طرف مطالعه قرار دهم. از قرائت آن دانستم که در چه جهتم حقیقی زندگی منیام و در میان چه خسارات معنوی بزرگی هستم. من ظاهر طهران را اینروزها باشکوه دیدم. شعله های نور اطراف خیابانها.



این کجاست که مردم قدم میزنند؟ در چه محیط وافقی این مردم زندگی میکنند؟ در طهران! آری طهران!
طهران بایتخت مملکتی است که بیش از یک میلیون ونیم کیلو متر مربع مساحت دارد. طهران مرکز تمدن یک قطعه خاک وسیعی است که بیشتر از خاک فرانسه و انگلستان و آلمان است.

آری طهران باین وسیعی با این اختصاصاتش مطابق احصائیه بلدی در سال ایت ایل ۱۳۰۱ بیش از ۲۱۰ هزار نفر جمعیت نداشته است در صورتیکه لندن هفت میلیون و نیم و پاریس پنج میلیون و برلن متجاوز از سه میلیون و نیم جمعیت دارد و بعبارت اخری جمعیت این سه پایتخت از جمعیت تمام مملکت ایران بیشتر است .

این سه شهر پایتخت های سه مملکتی هستند که مجموع آن ممالک نازه از يك مملکت ایران که طهران پایتخت آنست کوچکتر میباشد .

شیکاگو يك شهر بزرگ و معروف امریکا است که برای تحقیق آثار صنایع تاریخی ایرانی مدهوش خواب غفلت متخصص دار الصنایع بایران میفرستد . این شهر بزرگ مهم در نود و پنج سال قبل آثار شهری ابتدا در آن دیده نمیشد و فقط محل يك برجی بیشتر نبود . بتدریج بعضی ها بدانجا آمده مرکز تجارت پوست حیوانات و فروش چوبها قرار دادند هفت سال بعد عدّه سکنه آنجا فقط به چهارده هزار نفر رسید و قریب هفتاد سال بعد یعنی در ۱۹۰۷ این شهر کوچک بقدری وسیع و پرسکنه گردید که جمعیتش بيك میلیون و هشتصد و هفتاد و چهار هزار نفر رسید . این است عظمت و افتخار ساکنین يك شهری که در نتیجه دقت در امور زندگانی و نشاط حیات در عرض ۷۰ سال اینطور بر جمعیت خود افزوده اند .

نیویورک بندر معروف عالم در ۱۷۹۰ یعنی در ۱۳۵ سال قبل بیش از سی و سه هزار نفر جمعیت نداشت . شهر فیلادلفی بیست و هشت هزار نفر و بستان هیجده هزار نفر و سن لوئی اساساً بیش از يك دهکده بیشتر نبود . واشنگتن در ۱۸۱۰ بیش از هشت هزار نفر و کلواند بیش از صد هزار نفر جمعیت در ۱۸۴۰ نداشتند ولی همین شهرها در قرن بیستم بر تعداد سکنه شان بمقدار زیادی اضافه گردیده است . مثلاً نیویورک در ۱۹۰۷ چهار میلیون و صد و بیست هزار نفر و فیلادلفی يك میلیون و سیصد و شصت و سه هزار نفر و کلواند چهار صد و پانزده

هزار نفر جمعیت داشتند.

این است نتیجه فعالیت و رعایت اصول صحیح مصادر امور ممالک متحده امریکا که به نتیجه معجز اساسی کنونی رسیده اند و این نتیجه از دقت در امور بلدی بدست میاید.

اما طهران! احصائیة بلدی در تیر ماه ۱۳۰۴ تعداد متوفیات را ۱۳۷ نفر بیشتر از متولدین نشان میدهد. آری طهران در این ماه ۲۱۲ نفر نو زاده و ۳۴۹ نفر در گذشته دارد....

آیا ما در برابر تزئید نفوس سریع شهرهای معروف امریکا سیر نزولی نمی نمائیم؟ آیا کارهای ما بعکس کارهای ملل متمدنه عالم نیست؟ آیا باز هم اگر ادعا های پوسیده نمائیم و در موقع حرف زدن و گراف گوئی خود را چند پله جلو قلمداد نمائیم واقعاً شرمسار نباید بشویم؟ با این طرز بزودی طهران ویران میشود. اطباء و خادمین عالم بشریت چه زحمانی در راه اکتشاف امراض کشیده و میکشند. چگونه خود را فدای انسان می نمایند تا دفع میکرب يك مرض را می نمایند. عدهای زحمت کشیدند و با بهترین طرزی علاج مرض مسری آبله را بوسیله تلقیح کشف کردند و با دو دقیقه تلقیح حیات يك طفلی را می خزند، عجب تر آنکه در برابر این خدمت بزرگ يك شاهی حق تلقیح هم مطالبه نمی نمایند، آن وقت طهرانی تنبل بی قید در زندگانی بقدری در امر حیاتی خود بیفکر است و از تلقیح تکاهل می نماید که در يك ماه ۵۷ نفر از مرض آبله قربانی میدهد!

در ستون تعداد متوفی عدد ۵۲ را می بینید که چشم شما را خیره می کند، البته انتظار دارید که این رقم بزرگ نتیجه يك مرض مسری اجماعی مهمی باشد ولی وقتی بستون علل فوت نظر می افکنید

می بینید که این ۵۲ نفر از مرض اسهال فوت کرده اند . اسهال يك مرض مسری مهمی نیست که بگوئیم در نتیجه فعالیت میکروبها و مقتضیات جغرافیائی طهرانیان را گرفتار کرده باشد بلکه مراقبت شخص در حفظ مزاج و تعدیل آن بهترین دستور عدم ابتلای بمرض اسهالست يك رقم مهم دیگری می بینید که بیشتر شما را از طهران مایوس می نماید . ایران مطابق مقتضیات جغرافیائی در منطقه معتدله شمالی صحره واقع شده و علاوه بر اختصاص مزبور در فلاتی واقعست که متجاوز از هزار متر از سطح دریا ارتفاع دارد و تمام اینها سبب شده است که آب و هوای طهران بّری « شدید » باشد و البته می دانید که این آب و هوا یعنی تابش اشعه سوزان خورشید بهترین نعمت خدا دادی است برای طهرانیان که اساساً باید از شرّ میکروب مرض سل نجات یافته باشند . باسیل دوکخ در هوای مرطوب فقط میتواند زندگانی کند ولی در آب و هوای طهران کمتر ادامه حیات میدهد . اما با تمام اینها می بینید که در طهران ۳۹ نفر در یکماه از مرض سل مرده اند ! آیا می دانید علت پیدا شدن این عدد بزرگ چیست ؟

در طهران بجای آنکه مراقبت در اموات مبتلاء بمرض مزبوره نمایند بجای آنکه لوازم و اثاثیه آنها را آتش بزنند لباسهای متوفی را بدکانهای سمساری بفوریت میفروشند و با آنکه بطور چابکی بخانههای سالم انتقال میدهند و بهمین سبب میکروبها بزودی بدن گرم و نرم انسانرا محل نشو و نمای خود قرار داده بوسیله لباس و اثاثیه وارد ریه انسان سالم شده او را مبتلا میکنند .



آیا مسئول اینها کیست و خود مسئول هم چگونه انجام وظیفه مینماید؟ جواب این سؤال در موقع دیگری باید بیان شود .
ولی فعلاً بطور اجمال میگوئیم که آینده طهران مطابق این

احصائیه خیلی وخیم است و در قری که در ممالک عالم سکنه شهرها بیک سرعت سیر فوق العاده ترقی میکنند، در عهدی که جمعیت یک دهکده امریکا «سن لوئی» در ظرف صدسال به ۷۲۰ هزار نفر رسید، احصائیه سکنه طهران بقدری یاس آوراست که دویت سال دیگر طهران بیش از قبرستانی نخواهد بود.

در تیر ماه عدد متولدین ۲۱۲ نفر است در صورتیکه متوفیات همین ماه ۳۴۹ بود پس ۱۳۷ نفر در یکماه از سکنه طهران کاسته شده است.

اگر هم دست بالا را گرفته جمعیت طهران را با حومه آن ۳۰۰ هزار نفر فرض کنیم و هر ماه هم از اینمقدار کاهش دست کم را گرفته تفاضل بین متوفیات و متولدین با تقلیل نفوس را ۱۰۰ نفر تعیین کنیم می بینیم که در ظرف ۲۵۰ سال دیگر تمام این ۳۰۰ هزار نفر جمعیت از بین رفته طهران یکنفر هم جمعیت نخواهد داشت در صورتیکه در آرزو چه بسیاری از دهکده های امروزی ممالک اروپا و امریکا بشهر های بزرگی مبدل شده دارای ۳ یا ۴ میلیون جمعیت می شوند. آیا با این احصائیه غریب جای آن نیست که طهران جهنم را حقیقی دانسته طهرانیان را برهنگان خوشحال نام گذاریم؟ ...

جاهل و منافق

ناصر خسرو

بیر از جاهل ارچه خویش باشد	که رنج وی ز راحت بیش باشد
مکن دل خوش بود بیکرانش	که صد سودش نیرزد یک زبانش
تبر آن ز هر بد فعل و بد نام	که بدنامت کند چون خود سرانجام
منافق را میدان یار موافق	منافق را منافق دان منافق